

نگرشی بر سیر ترجمه قرآن به زبان فارسی

محمد رضا انصاری

قرآن کریم از نخستین روز نزول آیاتش، در قلب مشتاقان وحی الهی جای گرفت و تشنگان معارف آسمانی را که در پی تهذیب نفس و گرایش به ارزش‌های معنوی بودند از زلال معنویت خود سیراب نمود. هر آیه و سوره‌ای که بر پیامبر فرود می‌آمد، برای شیفتگان قرآن پیامی سازنده و روشنگر به همراه داشت و آنان را به ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی و به راه راست رهنمون می‌شد.

عشق و علاقه فراوان مسلمانان به این کتاب آسمانی سبب گردید که هر آیه و سوره‌ای فرود می‌آید آن را بر صفحه دل بنگارند و مفهوم آن را با دقت و کنجکاوی دریابند، به گونه‌ای که هیچ ابهامی برای آنان باقی نماند. بر این اساس اگر آیه‌ای از نظر مراد و مفهوم برای آنان ابهام داشت، از پیامبر توضیح می‌خواستند و پیامبر هم با بیان رسای خود آن را توضیح می‌داد. به تدریج همراه با فرود آمدن آیات قرآن، راه سنت نیز فرا روی مسلمانان گشوده شد و تفسیر و توضیح آیات مطرح گردید، تا آن جا که پس از رحلت پیامبر نیز این راه ادامه یافت و خاندان

رسالت به عنوان مفسران واقعی قرآن راهگشای مسلمانان در فهم آیات الهی بودند. مردمی که در عصر پیامبر در سرزمین حجاز زندگی می‌کردند، چون زبانشان زبان قرآن بود و به عربی سخن می‌گفتند، در دریافت معنی واژه‌های قرآن مشکل چندانی نداشتند. مشکل آنها در دریافت مراد و مقصود از واژه یا جمله بود که طبعاً با توضیحات پیامبر این مشکل حل می‌گردید. در عصر معصومین نیز عرب زبانان از همین موقعیت برخوردار بودند. اما پس از گسترش اسلام و رسیدن قرآن به دست مسلمانانی که با زبان عربی آشنایی نداشتند، ضرورت ترجمه قرآن به زبان مورد نیاز آنان به خوبی احساس گردید؛ چرا که مسلمانان در پی آن بودند که از محتوای پیام‌های قرآن آگاهی یابند و بدانند قرآن چگونه با آنان سخن می‌گوید و برای آنان چه پیامی به همراه دارد. به تدریج اندیشه ترجمه قرآن به زبان‌های مورد نیاز مطرح شد و نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی در نیمه اول قرن چهارم هجری به دست گروهی از علمای ماوراء النهر انجام گرفت. این گروه تفسیر طبری را به فارسی ترجمه نمودند و این اثر گرانبگر را از خود به جای گذاشتند.

از آن پس به تدریج ترجمه قرآن رواج یافت و در نقاط گوناگون، قرآن به زبان فارسی ترجمه گردید، تا آن جا که امروزه پس از گذشت چهارده قرن از نزول قرآن، با صدها ترجمه فارسی رو به رو هستیم که هر کدام به شکلی خاص و در قالبی ویژه، آیات قرآنی را به فارسی منعکس می‌کنند.

آنچه این جا در خور ذکر است این است که مترجمان و مفسران قرآن - به رغم تلاش فراوانی که در این راه متحمل شده و گوشه‌ای از سیمای درخشان آیات قرآنی را در آینه ترجمه و تفسیر منعکس نموده‌اند - هرگز نتوانسته‌اند به تمام ابعاد آیات قرآن دست بیابند و بر بلندای مفاهیم آن احاطه پیدا کنند؛ و اگر در مقام ترجمه یا تفسیر هم بر آمده‌اند، قطره‌ای ناچیز از دریای بی‌کران حقایق قرآنی را ارائه داده‌اند؛ و این بدان جهت است که دانش بشر عادی محدود است و با این محدودیت نمی‌توان به ژرفای این بحر عمیق دست یافت. تنها راسخان در علم و مخاطبان واقعی قرآن هستند که به خاطر دانش گسترده و جایگاه والایی که در پیشگاه ربوبی دارند از محتوای ژرف آن آگاهند و می‌توانند دیگران را به حقایق آن آشنا سازند؛ اما هر چه هست، (هر کس به قدر همت خود خانه ساخته) و در ترجمه و تفسیر این کتاب عظیم آسمانی تلاشی از خود نشان داده است، که در این میان، تلاش آنان که دقت و ظرافت بیشتری به کار برده‌اند بیشتر در خور ستایش و تحسین است.

اکنون به طور گذرا نگاهی داریم به سیر ترجمه فارسی قرآن و مراحل‌ی که این نوع ترجمه پشت سر گذاشته و مراحل‌ی که هم اینک ترجمه فارسی قرآن با آن رو به روست، تا ببینیم در طول این قرون متمادی، ترجمه فارسی قرآن از چه جایگاهی برخوردار بوده و امروزه در چه وضعی قرار دارد و آیا در این زمینه نقص و کاستی مشاهده می‌شود یا نه؟ و در صورت وجود نقص، چگونه می‌توان آن را جبران نمود؟

□

ترجمه‌هایی که از قرآن مجید به فارسی انجام شده است - اعم از قدیم و جدید - از نظر جمله بندی و قالب کلام متفاوت و گوناگونند. بسیاری از ترجمه‌های کهن، بلکه شاید بتوان گفت تمامی آنها، به شکل تحت اللفظی انجام گرفته است، به عکس ترجمه‌های چند دهه اخیر که غالباً با رعایت قواعد دستور زبان فارسی و در قالب عباراتی روان انجام شده است. البته در این میان، ترجمه‌هایی نیز هستند که از حالتی متوسط برخوردارند، یعنی نه تحت اللفظی صرف هستند که آیات را کلمه به کلمه ترجمه کرده باشند و نه ادبی روان که از قواعد دستوری زبان فارسی برخوردار باشند.

ترجمه‌های کهن هر چند از نظر قالب و ساختار کلام تحت اللفظی هستند اما بیشتر آنها از دقت و استحکام برخوردارند و این امر نشانگر آن است که مترجمان آنها با کمال دقت و احتیاط و با ژرف نگری خاصی دست به ترجمه قرآن زده‌اند و تلاش آنها بر این بوده است که از هیچ واژه و حرفی از قرآن در ترجمه فرو گذار نکنند و آن را به عنوان حفظ امانت، در ترجمه خود منعکس سازند. البته این کار از جهتی خوب است و آن این که با چنین هدفی، دخل و تصرف و حذف و افزوده‌ای در ترجمه قرآن صورت نمی‌گیرد، ولی نقصی که این روش به همراه دارد این است که چنین ترجمه‌ای نمی‌تواند آن گونه که باید و شاید مورد استفاده همگان قرار گیرد؛ زیرا ارتباط جمله‌ها و آغاز و انجام آنها به ویژه در آیات طولانی و پیچیده درست مشخص نیست و خواننده به آسانی به معنای آن دست نمی‌یابد؛ تنها اهل فن می‌توانند مفهوم آیه را از ترجمه تحت اللفظی استفاده کنند.

ناگفته نماند که در بیشتر ترجمه‌هایی که در چند دهه اخیر انجام گرفته است این کاستی جبران گردیده و ترجمه‌ها غالباً با عباراتی روان و قابل استفاده برای همگان ارائه شده است، اما در عوض در برخی از آنها، آن دقت لازم و ژرف نگری به کار گرفته نشده و کم و بیش سهو و اشتباه در آنها راه یافته است.

باید به این حقیقت اعتراف کرد که دورانی بر ترجمه‌های فارسی قرآن گذشت که آن دقت لازم و همه جانبه اعمال نمی‌گردید، و مترجم پس از سالیانی تلاش و زحمت، ترجمه‌ای پدید می‌آورد که در لا به لای آن، خطاها و اشتباه‌های فراوانی به چشم می‌خورد. گاه نیز اگر ناقد بصیری یافت می‌شد و اغلاط ترجمه‌ای را گوشزد می‌کرد، تذکرات او چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و آن ترجمه مغشوش بارها با همان کیفیت به چاپ می‌رسید و در دسترس همگان قرار می‌گرفت.

خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش فرهنگ قرآن در جامعه، مسأله ترجمه قرآن نیز مورد توجه بیشتر قرار گرفت و حرکتی جدید در راستای نقد و بررسی ترجمه‌ها و اصلاح نارسایی‌های آنها و همچنین پدید آوردن ترجمه‌هایی دقیق آغاز گردید، که این خودگامی است بسیار ارزشمند و نتیجه بخش، و امید می‌رود این گام سبب شود که خطاها و کاستی‌های گذشته تکرار نشود و کارهای جدیدی که در این زمینه ارائه می‌گردد راه کمال بی‌یابد.

چنان که گفتیم، بیشتر ترجمه‌هایی که از دوران‌های گذشته بر جای مانده است از دقت و ظرافت برخوردارند، و این نشانگر آن است که مترجمان آنها افرادی بوده‌اند آگاه به تفسیر و لغت و سایر علوم که در ترجمه نیاز بدانها بوده است. با مراجعه به مقاطع حساس و دقیق برخی آیات در این گونه ترجمه‌ها می‌توان به این حقیقت دست یافت. اکنون برای این که به نمونه‌هایی از این دقت‌ها و ظرافت‌ها اشاره کرده باشیم، مواردی را یادآور می‌شویم:

۱. در قرآن، وصف تفضیلی مؤنث که بر وزن «فُعَلَى» است و مذکر آن «أَفْعَل» است فراوان به چشم می‌خورد. واژه‌هایی چون: «الحسنی»، «الوثقی» و مانند اینها در قرآن به کار رفته است. تردیدی نیست که این گونه واژه‌ها به حکم وضع خاص صیغه خود دلالت بر تفضیل دارند، مگر آن که بر حسب وضع لغوی یا کثرت استعمال در وصف ساده به کار رفته باشند، مانند: «ابيض» و «اسود» و امثال آن.

در بسیاری از ترجمه‌ها این نکته نادیده گرفته شده و وزن «فُعَلَى» مطلقاً به صورت وصف ساده ترجمه شده است، در صورتی که این صیغه در بیشتر موارد قرآن به حکم سیاق آیه و بر اساس تفسیر دقیق، معنای تفضیل را در بر دارد. به عنوان نمونه واژه «الوثقی» در آیه شریفه: «فقد استمسك بالعروة الوثقی» را در نظر بگیرید، غالب مترجمان آن را به صورت وصف ساده

ترجمه نموده‌اند با این که تفضیل است و تفضیل آن هم عالی است، و دقت در آیه شریفه و تفسیر آن همین را اقتضا می‌کند؛ زیرا آیه در صدد بیان نتیجه ایمان به خدا و کفر به طاغوت است که طبعاً می‌بایست والاترین و پرارزش‌ترین نتیجه باشد. صاحب المنار در تفسیر آیه مورد بحث چنین می‌گوید:

«ای فقد طلب او تحرّی باعقاده وعمله أن يكون مُمسكاً بأوثق عُرى النجاة وأثبت اسباب الحیوة، او فقد اعتصم بأوثق العُرى وبالغ فی التمسك بها...»^۱

یعنی: (چنین کسی در صدد برآمده است با این اعتقاد و عمل، به محکم‌ترین دستگیره‌های نجات و استوارترین عوامل حیات چنگ درزند، یا چنین کسی به محکم‌ترین دستگیره‌ها پناهنده شده و در تمسک به آن اصرار می‌ورزد).

چنان که می‌بینید، صاحب تفسیر المنار واژه «الوثقی» را به «أوثق العُرى» یعنی به صورت وصف تفضیلی عالی تفسیر نموده است، و باید هم چنین تفسیر کرد؛ زیرا نتیجه ایمان به خدا و کفر به طاغوت چیزی جز این نمی‌تواند باشد، و از آن جا که بالاتر از ایمان چیزی قابل تصوّر نیست، نتیجه آن هم باید بالاترین و ارزشمندترین نتیجه باشد.

از میان ترجمه‌هایی که این دقت در آنها به کار رفته و از واژه مورد نظر معنای دقیقی را ارائه داده‌اند می‌توان تفسیر سور آبادی را نام برد که جمله: «فقد استمسك بالعروة الوثقی» را این گونه ترجمه نموده است: «بدرستی که دست در زد در گوشه استوارترین، و آن توحید است».^۲

هر چند بسیاری از مترجمان قدیم نیز این نکته را در ترجمه خود منظور نداشته‌اند، اما به هر حال وجود چنین نکته‌های ظریفی در لا به لای ترجمه‌های کهن نشانگر آن است که راه برای دقت و ژرف نگری بیشتر در ترجمه قرآن باز است و مترجمان قرآن همواره باید در ترجمه این کتاب آسمانی نهایت دقت و ظرافت را به کار گیرند و از ویژگی‌های ساختاری واژه‌ها و جملات و ترکیبات و نیز از مفاهیم دقیق آیات و دیگر جهات مربوط به آن غفلت نورزند.

۲. از جمله آیاتی که در بسیاری از ترجمه‌های عصر حاضر به ترکیب و ساختار آن توجه نشده و در ترجمه آن اشتباه رخ داده، آیه ۱۸ سوره یوسف: «وجاؤا علی قمیصه بدم کذب» است که معمولاً این گونه ترجمه شده است: «و پیراهنش را آلوده به خون دروغ آوردند»، در

۱. تفسیر المنار، ج ۳، ص ۳۷.
۲. تفسیر سورآبادی، ص ۱۴۷، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

صورتی که تعبیر آیه، «جاؤا علی قمیصه» است نه «جاؤا بقمیصه» تا معنای آیه چنین باشد: «پیراهنش را آوردند». به عبارت دیگر «بای تعدیه» بر سر «دم کذب» آمده است نه بر سر «قمیصه»، و واژه «قمیصه» ظرف است نه مفعول. برای توضیح بیشتر به سخن زمخشری در کشف توجه کنید، وی می‌گوید:

«اگر بگویی که «علی قمیصه» چه محلی از اعراب دارد؟ در پاسخ می‌گویم: محل آن منصوب است بنا بر ظرفیت. گویا گفته شده است: «وجاؤا فوق قمیصه بدم کذب» همان طور که می‌گویی: «جاء علی جماله بأحمال».^۱

چنان که می‌بینید، زمخشری در توضیح آیه، «علی» را به «فوق» تفسیر نموده و «قمیص» را ظرف «دم کذب» قرار داده است؛ و آیه معنایی جز این ندارد. در ترجمه‌های کهن چون غالباً تحت اللفظی هستند و به ریز واژه‌ها و کلمات توجه دقیق شده، این جمله به طور صحیح ترجمه گردیده است. به عنوان مثال، در ترجمه تفسیر طبری جمله مورد نظر چنین ترجمه شده است: «و بیاوردند بر پیراهن او خونین دروغ».^۲

۳. یکی از واژه‌هایی که بر حسب اختلاف موارد استعمال، معانی گوناگونی دارد، واژه «بلی» است. جایگاه این واژه و معنای آن در آیات قرآنی نیز متفاوت است.

توضیح این که: «بلی» همیشه مسبوق به نفی است، بر خلاف «نعم» که در پاسخ از استفهام مثبت قرار می‌گیرد. نفی که «بلی» مسبوق به آن است، یا همراه با استفهام است و یا بدون استفهام. در صورتی که نفی، همراه با استفهام باشد، «بلی» برای تصدیق و تفریر خواهد بود، مانند آیه شریفه: «ألسنت بر بکم؟ قالوا: بلی» که این گونه ترجمه می‌شود: «آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: چرا».

اما در صورتی که نفی، مجرد از استفهام باشد، «بلی» برای رد آن نفی است و در فارسی با عباراتی همچون: «نه، چنین نیست» و مانند آن ترجمه می‌شود. به عنوان مثال در این دو آیه دقت کنید:

«وقالوا لن تمسنا النار الا اياماً معدودة قل اتخذتم عند الله عهداً فلن يخلف الله عهداً ام تقولون على الله ما لا تعلمون» بلی من کسب سیئه واحاطت به خطیته فأولئك اصحاب النار هم فيها خالدون».^۳

چنان که می‌بینید، آیه دوم با واژه «بلی» آغاز گردیده و مسبوق به نفی است که در آیه قبل به صورت اخبار آمده و آن، جمله: «لن تمسنا النار الا اياماً معدودة» است. در این گونه موارد،

۱. تفسیر کشف، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. ترجمه تفسیر طبری، مجلد سوم از هفت مجلد، ص ۷۴۰.

۳. سوره بقره، آیه ۸۰-۸۱.

«بلی» برای ردّ نفی است، و آوردن تعبیر «آری» در ترجمه آن چندان دقیق نیست و معنی و مفهوم آیه و ارتباط نفی و منفی را درست منعکس نمی‌کند؛ به عکس اگر از تعبیر «نه چنین نیست» و مانند آن در ترجمه استفاده کنیم معنای آیه و ارتباط مزبور به خوبی منعکس می‌شود. اکنون به ترجمه این دو آیه بر اساس این معنای ظریف توجه کنید:

«یهودیان گفتند: آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نخواهد رسید. [به آنان] بگو: آیا با خدا پیمانی بسته‌اید؟ که در این صورت خدا از پیمان‌ش تخلف نخواهد کرد، یا چیزی را بر خدا می‌بندید که نمی‌دانید؟»
این گونه نیست [که آنان می‌گویند]؛ هر کس گناهی مرتکب شود و گناهش او را در برگیرد، چنین کسانی اهل آتش اند و در آن ماندگار خواهند بود.»

ما این معنی ظریف و دقیق را برای کلمه «بلی» در این گونه آیات در برخی از ترجمه‌های کهن مشاهده می‌کنیم که نشانگر دقت و مهارت مترجمان آنهاست. از جمله این ترجمه‌ها می‌توان از ترجمه سنقشی و تفسیر کاشفی نام برد.
به هر حال نمونه‌های فراوانی از این گونه دقت‌ها را می‌توان در ترجمه‌های کهن سراغ گرفت که هر کدام در جای خود درخور تحسین و ستایش‌اند و ذکر نمونه‌های بیشتر موجب ملال و طولانی شدن مقال می‌گردد.
به امید آن که با این جنبش فرهنگی - قرآنی شاهد گام‌های بلند و ارزشمندی در زمینه ترجمه قرآن و بارور ساختن و کامل نمودن آن باشیم.

اَبَانِ يَتَعْتَمُونَ بِاِذْنِي عَلِمْتُمْ فِي الْاٰخِرَةِ
 وَاَقْبَلْتُمْ سَيِّدًا بَلَدًا سَيِّدًا طن انسان در این جهان
 وَقَالَ الَّذِي كَفَرُوا اِنَّا اَحْكَمُ اَبَا وَاَبَا
 كفتند انسان که کافری سیدند ای ازمان هم خاکی و دراز
 مِنْ قَبْلِ اَنْ هَذَا اِلَّا اَيُّكُمْ اَوَّلًا
 از پیش و نسبت این بی ایسانها کسنتار
 كَانَ عَاقِبَةُ الْعِدْمِ مِّنْ وَلَا تَخْزَنُ عَلَيْهِ
 بود فرجام آن که کاران اند میرد و درسان
 عَتَى هَذَا الْوَعْدِ اَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ
 بآیه ای من وعده از عهد راستی کفاران که
 وَاِنْ دَبُّكَ لِذُو فَضْلٍ عَلَي النَّاسِ وَالْكَرَّاءِ
 خداوند تو احدی بدگلی و مردمان بی
 صَبُو دِهْتُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ وَمَا مِنْ عَائِبٍ
 بگورهای انسان و از من استگرا کنید نیست هیچ عیب نیندا

□ نمونه‌ای از ترجمه قرآن به زبان فارسی

ترجمه‌های فارسی موجود در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی*

□ الف. کامل

ردیف	نام مترجم	محل نشر	سال چاپ	توضیحات
۱	رشید الدین مبدی	تهران	-	
۲	بی‌نام	تهران	۱۳۶۴ش	به عنوان نسخه علقه منقح شده است.
۳	نجم الدین عمر نسفی	تهران	۱۳۵۳ش	در دو جلد به چاپ رسیده است.
۴	شیخ سعدی	کشمیر	۱۲۹۹ق	همراه با سه ترجمه دیگر چاپ شده است.
۵	بی‌نام	تهران	-	در سال ۱۲۱۲ق به خط زین العابدین محلانی نوشته شده است.
۶	شاه ولی الله محدث دهلوی	کراچی	۱۳۷۳ش	هم به طور مستقل و نیز همراه با تفسیر فارسی ملا حسین واعظ کاشفی چاپ شده است
۷	میرزا ابوالحسن شعرانی	تهران	۱۳۳۷ش	
۸	مهدی الهی قمش‌ای	تهران	۱۳۷۰ش	تاکنون به طور مکرر تجدید چاپ شده است.
۹	محمدکاظم معزی	قم	۱۳۷۲ش	
۱۰	ابوالقاسم پاینده	تهران	۱۳۳۹ش	
۱۱	عباس مصباح زاده	تهران	۱۳۶۷ش	این قرآن به خط مصباح زاده است و در برخی چاپ‌های آن از وی به عنوان مترجم نیز یاد شده است

* از آن جا این که برخی از ترجمه‌های نامبرده فاقد تاریخ ترجمه است و دستیابی به آن امکان نداشته است، ترتیب ترجمه‌های فوق در هر سه بخش، طبق شواهد و قراین موجود و بر اساس تقدم تقریبی زمان ترجمه انجام گرفته است.

۱۲	سید ابو الفضل برقی	تهران	-	در دو جلد به چاپ رسیده است.
۱۳	حسین عمادزاده	تهران	۱۳۸۶ق	
۱۴	زین العابدین رهنما	تهران	۱۳۵۳ش	در چهار جلد همراه با توضیحات چاپ شده است.
۱۵	سید علی نقی فیض الاسلام	تهران	-	
۱۶	حاج عبدالمجید صادق نوبری	تهران	۱۳۴۸ش	همراه با توضیح و تفسیر است.
۱۷	حاج شیخ رضا سراج	تهران	۱۳۴۹ش	
۱۸	سید جمال الدین استرآبادی	تهران	۱۳۹۲ق	
۱۹	حکمت آل آقا	تهران	۱۳۵۳ش	
۲۰	بی نام	-	-	این ترجمه منسوب به گروه فرقان است.
۲۱	شیخ محمود یاسری	قم	۱۳۷۳ش	با تجدید نظر و اصلاحات توسط آیه الله حائری
۲۲	مخدوم نوح سندی	سند	۱۴۰۱ق	
۲۳	داریوش شاهین	تهران	۱۳۵۹ش	همراه با مقدمه‌ای طولانی درباره زندگی حضرت محمدا(ص)
۲۴	عبدالمحمد آیتی	تهران	۱۳۷۴ش	
۲۵	جلال الدین فارسی	تهران	۱۳۶۹ش	
۲۶	محمد خواجوی	تهران	۱۳۶۹ش	
۲۷	محمدباقر بهبودی	بی جا	۱۳۷۲ش	این ترجمه با نام «معانی القرآن» چاپ شده است
۲۸	ریاض باری	آکسفورد	۱۳۶۸ش	متعلق به فرقه قادیانی است
۲۹	محمود اشرفی تبریزی	تهران	۱۳۷۳ش	
۳۰	ابوالقاسم امامی	بی جا	۱۳۷۰ش	

۳۱	سیدجلال الدین مجتبی	تهران	۱۳۷۱ش
۳۲	کاظم پور جوادی	تهران	۱۳۷۲ش
۳۳	احمد کاویان پور	تهران	۱۳۷۲ش
۳۴	محمد مهدی فولادوند	قم	۱۳۷۳ش
۳۵	آیه الله مکارم شیرازی	قم	۱۳۷۳ش
۳۶	بهاء الدین خرمشاهی	تهران	۱۳۷۴ش
۳۷	دکتر مصطفی خرّم دل	تهران	۱۳۷۴ش
۳۸	بهرز مفیدی شیرازی	لوس آنجلس	۱۹۹۵م

این ترجمه با عنوان «تفسیر نوره» چاپ شده است

از روی نسخه انگلیسی دکتر رشاد خلیفه
ترجمه شده است

ب. ترجمه‌های ناقص

ردیف	نام مترجم	محل نشر	سال چاپ	توضیحات
۳۹	ابوبکر عتیق سوراآبادی	تهران	۱۳۵۳ش	متعلق به قرن پنجم هجری است
۴۰	بی نام	تهران	۱۳۵۰ش	ترجمه کهن فارسی از سوره مائده متعلق به قرن پنجم هجری
۴۱	بی نام	تهران	۱۳۵۲ش	مربوط به قرن پنجم هجری با عنوان «تفسیری بر شری از قرآن مجید»
۴۲	بی نام	تهران	۱۳۴۹ش	با عنوان «نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمریج» به چاپ رسیده است
۴۳	بی نام	تهران	۱۳۵۱ش	با عنوان «بخشی از تفسیر کهن» به چاپ رسیده است
۴۴	شفقی	تهران	۱۳۵۴ش	با عنوان «گزیده‌ای از بخشی از قرآن کریم» چاپ شده است
۴۵	بی نام	مشهد	۱۳۶۴ش	با عنوان «قرآن قدس» چاپ شده است
۴۶	بی نام	تهران	۱۳۵۵ش	با عنوان «ترجمه قرآن موزه پارس» به چاپ رسیده است

۴۷	معین الدین نیشابوری	تهران	۱۳۵۹ش	با عنوان «تفسیر بصائر بیمنی» در قرن ششم تألیف شده است
۴۸	شاه عبدالعزیز دهلوی	بمبئی	۱۲۹۴ق	با نام «فتح المزیب» به چاپ رسیده است
۴۹	شهرام هدایت	تهران	۱۳۶۱ش	مشتمل بر ترجمه ۱۰ جزء از قرآن مجید است
۵۰	حسینعلی راشد	تهران	۱۳۷۳ش	ترجمه و تفسیر سوره حمد و پترة است
۵۱	ملا محمد مدرسی	سندج	۱۳۶۱ش	ترجمه توضیحی تفسیری جزء اول قرآن
۵۲	محمدجان عمروف	دوشنبه	۱۹۹۱م	ترجمه بخشی از قرآن به فارسی تاجیکی

□ ج. ترجمه‌های گزیده

ردیف	نام مترجم	محل نشر	سال چاپ	توضیحات
۵۳	بی نام	تهران	-	از آثار قرن هشتم هجری و به نام «تفسیر عم جزوه» چاپ شده است.
۵۴	حسین خدیو جم	تهران	۱۳۶۵ش	ترجمه کتاب «جواهر القرآن» تألیف امام محمد غزالی است.
۵۵	بی نام	تهران	۱۳۵۴ش	بنام «لسان‌الکئزلب» مشتمل بر ترجمه و ازدهای قرآنی که در قرن ۱۰ هجری نگارش یافته است.
۵۶	بی نام	تهران	۱۳۵۹ش	مجموعه‌ای است به نام «تفسیر مقررات قرآن» که در قرن پنجم هجری نگارش یافته است.
۵۷	کیکاوس ملک منصور	تهران	۱۳۳۴ش	ترجمه «تفصیل آیات القرآن الحکیمه» است.
۵۸	خلیل الله صبری	تهران	۱۳۶۲ش	آیات قرآن بر اساس موضوعات طبقه‌بندی شده است.
۵۹	دکتر احسان الله استخری	تهران	۱۳۴۶ش	آیات مربوط به پیامبر (اکرم ص) گردآوری و ترجمه شده است.
۶۰	هاشم هریسی	قم	۱۳۵۳ش	ترجمه توضیحی برخی از سوره‌های کوتاه قرآن کریم
۶۱	عبدالکریم بی آزار شیرازی	تهران	۱۳۷۲ش	ترجمه سوره‌هایی از قرآن همراه با تصویر در چند جلد
۶۲	سیدرضا برقی - محمدجواد باهنر	تهران	۱۳۷۲ش	ترجمه برخی از سوره‌ها و آیات قرآنی

۶۳	محمود صلواتی	-	۱۳۷۲ش	ترجمه مسجع و موزون دو جزء آخر قرآن
۶۴	رضا مرندی	تهران	۱۳۷۴ش	ترجمه بیست سوره از سوره‌های کوتاه قرآن کریم
۶۵	سیدهاشم رسولی محلاتی	تهران	۱۳۷۲ش	ترجمه سوره مبارکه انعام
۶۶	فرزانه زنبقی	تهران	۱۳۷۳ش	ترجمه جزء سی‌ام قرآن مجید
۶۷	غلامرضا امیری گروسی	-	۱۳۶۲ش	تصنیف آیات قرآن با ترجمه به عنوان تالیف قرآن
۶۸	دکتر جواد نوربخش	-	۱۳۷۳ش	ترجمه و تفسیر منظوم سوره‌های حجرات، قی و حشر...
۶۹	جلال ربّانی فر	تهران	۱۳۷۵ش	ترجمه منظوم سوره بس و جزء سی‌ام قرآن مجید

